

## بررسی مضامین مقاومت و استعمارستیزی

### در اشعار مفدی زکریا و پابلو نرودا

(بر پایهٔ مدرسهٔ تطبیقی اروپای شرقی «مکتب سلافیه»)

مالک عبدی<sup>۱\*</sup>، نوال مجدّم<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ایلام

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه ایلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۲۲

#### چکیده

ادبیات مقاومت چهره‌ای انسانی و جهانی دارد. هر گاه در کشورهای اشغال شده، نسلی مبارز پدید می‌آید که برای رهایی سرزمین، فرهنگ و سنت‌های خود از چنگال تجاوزگران به پا می‌خیزد و قلم به دست می‌گیرد، ادبیات مقاومت متولد می‌شود. شاعر مقاومت الجزایر، «مفدی زکریا» و شاعر مقاومت شیلی «پابلو نرودا» همدوش با دیگر مردم سلاح قلم را علیه دشمن متجاوز به دست گرفتند و با آفرینش آثاری گرانسنگ، شعلهٔ قیام و ایستادگی برابر دشمن را در قلب ملت خود افروختند. پژوهش حاضر می‌کوشد با تحلیل آثار شاعران یادشده همسانی‌ها یا تفاوت‌های شعر مقاومت و نیز اشکال استعمارستیزی الجزایر و شیلی را برسد تا گوشه‌هایی از زوایای ناشناختهٔ میراث ادب پایداری را در این دو کشور روشن سازد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است. پس از بررسی دیوان اشعار دو شاعر مضامین مشترک فراوانی در زمینهٔ استعمارستیزی به دست آمد که نشان می‌دهد با توجه به تأثیر شاخصه‌های اعتقادی و زیرساخت‌های فرهنگی و محیطی دو شاعر در مضامین شعری، در برخی موارد اشعار زکریا، غنای تصویری و حسی بیشتری دارد و در پاره‌ای از مضامین، شور حماسی بیان نرودا، برجسته‌تر و در برانگیختگی شور ملی کارآمدتر است.

**کلیدواژه‌ها:** شعر مقاومت؛ استعمارستیزی؛ الجزایر؛ شیلی؛ مفدی زکریا؛ پابلو نرودا.

## ۱. مقدمه

همواره میان متون ملل متفاوت چه در حوزه نظم و چه در حوزه نثر، همانندی های درخور پژوهشی یافت می شود. بررسی منشأ ظهور این مشابهت ها یکی از محورهای اصلی ادبیات تطبیقی است. ارزش و اهمیت ادبیات تطبیقی علاوه بر تأثیر عمده در کشف ابعاد اصالت ادبیات ملی، جنبه مهم تری دارد و آن ژرف نگری و کشف طبیعت نوجویی و گرایش های آن در ادبیات میهنی و جهانی است (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۲۳). طه ندا، نویسنده معاصر عرب، معتقد است «ادبیات تطبیقی به طور خلاصه عبارت است از: بررسی ادبیات ملی و روابط تاریخی آن با ادبیات ملت های دیگر، چگونگی این ارتباط و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر» (ندا، ۱۳۸۰: ۱۰). او در ادامه می افزاید: «مطالعات تطبیقی میان ادیبان نیز انجام می گیرد... تاریخ نقش مهمی در ادبیات تطبیقی دارد؛ زیرا می تواند وجود ارتباط میان ادیبان یا نبود این ارتباط را ثابت کند... معنای سخن آن نیست که باید رابطه شخصی میان ادیبان وجود داشته باشد، بلکه همین که ثابت شود اندیشه ای از محیطی به محیط دیگر راه یافته و ادیبان آنجا از آن تقلید کرده یا از آن متأثر شده اند، کفایت می کند» (همان: ۱۳). گفتنی است این تعریف به نظریات مکتب فرانسه در ادبیات تطبیقی نزدیک تر است؛ چراکه از دیدگاه مکتب فرانسه لازم است میان متون ادبی مورد مطالعه حتماً به نوعی روابط تاریخی برقرار باشد و اگر دلایل و قراینی بر این ارتباط وجود نداشته باشد، مجالی برای بررسی تطبیقی نمی ماند؛ یعنی هدف از بررسی تطبیقی در واقع کشف حوزه های تأثیر و تأثر است (سیدی، ۱۳۸۲: ۱۸). ولی همیشه بین چند اثر مشابه رابطه تأثیر و تأثر وجود ندارد و گاه حوزه کشف مشابهت ها را باید بر معنای مطالعات غیرادبی جست و جو کرد. مثلاً ممکن است این همانندی ها مبتنی بر کاوش های روان شناختی یا اشتراکات ضمیر ناخودآگاه جمعی آدمیان باشد یا فارغ از هر گونه ارتباط، اقتباس و الهام گیری، نتیجه توارد باشد و یا حاصل نیازها، آرمان ها و آرزوهای مشترک انسان ها باشد (حجازی، ۱۳۹۰: ۷۵). مفدی زکریا و پابلو نرودا با دغدغه های سیاسی و اجتماعی مشابهی مواجه بودند، مواردی چون دخالت های مستقیم و غیرمستقیم استعمارگران و در رأس آنها آمریکا و فرانسه در امور داخلی کشورهایشان، وجود ضعف و عقب ماندگی های سیاسی،

بررسی مضامین مقاومت و استعمارستیزی در اشعار مفدی زکریا و پابلو نرودا ... مالک عبدی، نوال مجدم

مشکلات مختلف اجتماعی چون فقر، وجود اقشار مستضعف و ستمدیده در جامعه، از جمله مشکلات مشترکی است که هر دو شاعر با آن دست به گریبان بوده و در مورد آن شعر سروده‌اند. از این روی در این جستار سعی شده تا مضمون مشترک مقاومت و استعمارستیزی را در نزد دو شاعر بزرگ از دو کشور بسیار متفاوت بررسی کنیم.

این پژوهش می‌کوشد به این سؤالات پاسخ دهد: (۱) محورهای مهم استعمارستیزی در اشعار دو شاعر چیست و وجوه اشتراک و اختلاف آنها کدام است؟ (۲) دو شاعر چه جایگاه و نقشی در ادبیات استعمارستیزانه کشورهای خویش ایفا کرده‌اند؟ (۳) با توجه به شاخصه‌های اعتقادی و زیرساخت‌های فرهنگی و محیطی که هر یک از دو شاعر در آن رشد یافته‌اند، نحوه پردازش آنان به مؤلفه‌های ادبیات پایداری با چه رویکردی بوده‌است؟

### پیشینه تحقیق

درباره نرودا پایان‌نامه‌ای با عنوان مقایسه ادبیات پایداری ایران و شیلی با تکیه بر اشعار ملک الشعرای بهار و پابلو نرودا به قلم زهرا لشنی زند در دانشگاه بوعلی سینای همدان به نگارش درآمده‌است. درباره مفدی زکریا به صورت جداگانه و گاه تطبیقی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، از جمله: کتاب سیری در تحول ادبیات معاصر الجزایر و مقاله «مفدی زکریا و شعر مقاومت الجزایر»، نوشته فاطمه قادری که در دومین شماره از نشریه ادبیات پایداری کرمان در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده؛ و نیز مقاله «المقاومة في الشعر الجزائري والإیراني، دراسة مقارنة بين مفدي زکریا وفرّحي یزدي» که توسط عیسی متقی‌زاده در مجله إضاءات نقدیة در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده‌است و پایان‌نامه‌ای با عنوان تحلیل اشعار سیاسی و انقلابی مفدی زکریا که در دانشگاه قم به رشته تحریر درآمده است. همچنین مقاله «القیم الدینیة في شعر مفدي زکریا» از محمدعلی آذرشب در فصلنامه النصوص المعاصرة سال چهارم،

شماره‌های ۱۵ و ۱۶؛ و نیز «صور من الاثر القرآنی لدي مفدی زکریا شاعر الثورة الجزائرية» از فاطمه قادری که در شماره ۱۳ نشریه کاوش نامه زبان و ادب فارسی به چاپ رسیده است. پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان بررسی و تحلیل اشعار انقلابی و سیاسی مفدی زکریا شاعر معاصر الجزائر در سال ۱۳۹۲ به قلم مریم یعقوبی در دانشگاه قم و نیز پایان‌نامه‌ای با عنوان *ظاهرة الغربة في شعر مفدی زکریا* نوشته حمه دحمانی که در دانشگاه منتوری قسنطینه در سال ۲۰۰۶ به انجام رسیده است. در ادامه پژوهش‌های یادشده این تحقیق نیز می‌کوشد ضمن معرفی دو شاعر و تبیین جایگاه آنان، به بازنمایی جلوه‌های مفصل‌تری از مضامین اشتراکی مقاومت، تبیین مصادیق استعمارستیزی و مقایسه آن در اشعار آنها بپردازد و نیز نحوه نمایه‌سازی محتواهای مقاومت‌گونه را در دو فضای متفاوت زیستی دو شاعر به تصویر بکشد.

## نگاهی به زندگی دو شاعر

### مفدی زکریا

مفدی زکریا در سال ۱۹۰۸ م در روستای «بنی یسجن» یا «بنی یزقن» از توابع «وادی میزاب» واقع در جنوب الجزایر متولد شد. او در ادبیات به «ابن تومرت» و در انقلاب به «شاعر الثورة الجزائرية» لقب یافته است. قرآن و علوم ابتدایی را در مکتب‌خانه‌ها آموخت. سپس برای ادامه تحصیل به «عنابه» (مرکز تجارت پدرش) رفت. سپس پدرش او را به همراه یک گروه علمی میزابی به تونس فرستاد. در آنجا، به مدت دو سال در «مدرسة السلام القرانية» به تحصیل پرداخت و در آنجا اصول عربی و علوم را در نزد استادانی چون «الشاذلی المرالی» و «عبد العزیز الباوندي» فراگرفت و موفق به اخذ مدرک ابتدایی شد و به دنبال آن برای تحصیل علوم به «المدرسة الخلدونية» انتقال یافت (قادری، ۱۳۸۹: ۲۴۴). او پس از اتمام تحصیل در دانشگاه الزيتونه تونس، پیوستن به جبهه آزادی‌بخش ملی و نیز در پیش گرفتن مسیر مبارزه، پنج بار زندانی شد تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۵۹، توانست از زندان بگریزد و به صفوف مبارزان جبهه آزادی‌بخش در خارج از کشور بپیوندد. وی پس از استقلال الجزایر در پی مدت‌ها سرگردانی

در کشورهای تونس، الجزایر و مغرب، سرانجام در تونس ساکن شد. وی در سال ۱۹۷۸ بر اثر سکتۀ قلبی درگذشت و پیکر او را به الجزایر منتقل کردند و در زادگاهش به خاک سپردند. وی در آثاری که از خود بر جای گذاشته به انقلاب الجزایر و تصویر چهرۀ حقیقی استعمارستیزی مردم توجه ویژه‌ای نموده‌است. مفدی زکریا اولین شاعر الجزایری است که دیوانی به زبان عربی دارد. این دیوان با نام **اللهب المقدس** مهم‌ترین دیوان شاعر است که به **دیوان الثورة الجزائریة** نیز شهرت یافته و بخش اعظم آن در دوران تبعید و زندان سروده شده‌است. **اللهب المقدس** پنج بخش گوناگون دارد: بخش «تساییح الخلود» به سروده‌های وطنی اختصاص دارد و به «فاشهدوا» معروف است. «نور و نار» شامل قصایدی دربارهٔ مبارزۀ ملت الجزایر در خلال انقلاب است. «تنبؤات شاعر» را نیز به مناسبت افتتاح دفتر ابن بادیس از رهبران جمعیت علمای مسلمان سرود. «من وحی الشرق» هم به قضایای جهان عرب و در رأس آن مسئلهٔ فلسطین اختصاص دارد (عبدالقادر، ۱۳۸۵: ۵۶-۶۴).

### پابلو نرودا

ریکاردو نفتالی ریز (۱۹۰۴-۱۹۷۳) معروف به پابلو نرودا در روز دوازدهم ژوئیهٔ ۱۹۰۴ در شهر پارال شیلی زاده شد. در شانزده سالگی به سانتیاگو پایتخت شیلی رفت و به دانشگاه تربیت معلم این شهر وارد شد و نام «پابلو نرودا» را برای خود برگزید (ملاآقایی، ۱۳۸۷: ۲۸). نرودا شاعری بزرگ، اندیشمندی توانا و سیاستمداری متفکر بود. به عقیدهٔ وی «ادبیات باید تجربه‌ای شخصی و پربار باشد و آنگاه است که واقعیت و رؤیا همه با هم رخ می‌نماید و این عناصر نیرومند و مهیب باید نه تنها در رابطه با زندگی درون نویسنده که با زمانۀ وی ترکیب شوند و در آن سکنی گزینند» (گیرت، ۱۳۶۷: ۴۷۴). وی از سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۵ در سمت کنسول افتخاری دولت شیلی در برمه، میانمار، سیلان، جاوه، سنگاپور، بوئنوس آیرس، بارسلون و مادرید خدمت می‌کرد و در این دوران دشوار بود که مجموعه اشعار نامتعارف و سورئالیستی

«سکونت بر زمین» را منتشر کرد. حوادث دهه ۱۹۳۰ اسپانیا و قتل «لورکا» او را به نهضت جمهوری خواهان در اسپانیا و پس از آن در فرانسه پیوند زد و از او شاعری مردمی و متعهد ساخت. در همین حال کتاب اسپانیا در قلب ما را در سال ۱۹۳۷ منتشر کرد. در اکتبر ۱۹۷۱ فرهنگستان سوئد جایزه نوبل ادبیات را به او اعطا کرد و درباره او نوشت: «شعر او قدرتی چون نیروی طبیعت دارد و به سرنوشت و رؤیاهای قاره‌ای زندگی می‌بخشد» (دی اسکید، ۱۳۷۵: ۴۷). او در همان سال بر اثر شدت بیماری از سفارت کناره‌گیری کرد و به شیلی (جزیره سیاه گوشه) بازگشت و از همان جا بود که با اندوه و خشم، انحطاط مدنی و سیاسی شیلی را پی می‌گرفت و می‌نوشت: «در طول تمامی شب‌ها، زوزه‌های کفتارها انقلاب شیلی را می‌آلاید» (همان: ۴۷). نرودا در روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۳ دوازده روز پس از کشته‌شدن مردی که او را «رفیق بزرگم، سالوادور آلنده» می‌نامید، در اثر سرطان پروستات وفات یافت. از دیگر تألیفات وی می‌توان به: انگیزه نیکسون‌کشی و جشن انقلاب شیلی اشاره کرد که در بخش اول آن، پیام شعرها حماسی و کوبنده است و گاه لحن شعاری و روزنامه‌ای به خود می‌گیرد و در بخش دوم یعنی «جشن انقلاب شیلی»، بیان شعرها ملایم و متناسب با مضامینی چون ندای صلح‌دوستی است. کتاب‌های شعر مردم (۱۹۵۰)، سرود همگانی (۱۹۴۹)، مجموعه آثار (۱۹۵۱)، جغرافیای بایر (۱۹۷۲)، کاغذباطله‌های برگزیده (۱۹۷۴)، مرثیه (۱۹۷۴) از دیگر آثار نروداست که در اذهان عموم ماندگار است.

### بارقه‌های مقاومت و استعمارستیزی در اشعار زکریا و نرودا

با توجه به باورهای فرهنگی - دینی متفاوت دو شاعر و نیز زیرساخت‌های متباین محیطی و فکری و فرهنگی آن دو، پردازش مضامین مقاومت‌محور در نزدشان، جلوه‌ای گاه متفاوت و گاه نیز نمایه‌هایی یکسان و اشتراکی دارد که در اینجا به جلوه‌گاه‌های بروز مضامین ضداستعماری در نزد دو شاعر و تبیین رویکردهای مقاومتی شاخص در نزد آن دو خواهیم پرداخت.

### مبارزه با استعمارگران

مبارزه با دخالت بیگانگان در امور کشور و هشدار نسبت به پیامدهای آن از موضوعات مهم و مشترک اشعار مفدی زکریا و پابلو نروداست. در این میان نقش این دو شاعر آزاداندیش چشم‌گیر

و غیرقابل انکار بوده است. دو شاعر با توضیح مواضع صریح و آشکار خود نقش برجسته‌ای در بیداری مردم از خواب غفلت و آگاهی بخشی به آنها در مقابله با استعمارگران ایفا کرده‌اند. زکریا شعر خود را وسیله‌ای برای بر زمین کوبیدن ستمکاران و راندن شیاطین و درهم کوبیدن بت‌ها و وسیله اصلاح و انسان‌سازی و برافرازنده پرچم نهضت قرار می‌دهد. وی صریح و شجاعانه و با کاربرد تعابیری همچون «شیطان» و «اصنام» برای استعمارگران، اوج خباثت و بی‌رحمی رژیم اشغالگر فرانسه را به تصویر می‌کشد:

وگم صرعننا بها فی الأرضِ طاغَةً      وگم رَجَمنا بها فی الإنسِ شیطانا  
وگم خصداً لهما الأصنامَ شاخصَةً      وگم بعثنا من الأصنامِ انسانا  
وگم رَفَعنا بِها، أعلامَ مَحْضَتِنا      فُحِّلَدَ الشَّعْرُ فی الدنیا مزایانا<sup>(۱)</sup>  
(زکریا، ۱۹۶۱: ۲۹۰)

نرودا نیز در مبارزه علیه استعمار صراحت لهجه داشت، به خصوص در برابر دخالت‌های آمریکا که می‌خواست منافع سیاسی و اقتصادی خویش را تأمین کند، ساکت و آرام نشست و ندای استقلال و آزادی سر داد. وی با تعابیری کنایه آمیز از استعمارگران آمریکایی می‌خواهد که خاک شیلی را ترک کند و چشم طمع خویش را از این سرزمین بردارند:

من کشورم را پاره پاره نمی‌خواهم/ با هفت خنجر خونین/ من می‌خواهم آفتاب شیلی  
برآید/ بر فراز خانه‌های نوساز/ بگذار آنان که خود را زندانی می‌پندارند/ گورشان را  
گم کنند با ترانه‌هایشان/ دولتمندان همیشه بیگانه بوده‌اند/ بگذار عمه‌هایشان را بردارند  
و بروند میامی (نرودا، ۱۳۶۴: ۴۰).

شاعر هشدار می‌دهد که دیگر به استعمارگران اجازه نخواهد داد آرامش سرزمینش را بر هم زنند. او با خطاب قراردادن استعمارگران به کفتاران و کوسگان، تأکید می‌کند که از نظر وی قاتل خوب وجود ندارد و آن‌کس که دست به قتل انسان‌های بی‌گناه می‌زند از مقوله انسانیت جداست:

دیگر دیوانه ای نمی تواند شکوهت را بپاشوید/ در شب وحشت و اندوه/ میهن آسمانی  
و لرزانم/ گورتان را گم کنید گفتاران و کوسگان/ مباد تا بدان نیکان را به قتل رسانند/  
و نه حتی نیکان بدان را/ من یک شاعرم بی هیچ قانونی/ جز آنکه بگویم بی آه و  
بی اسف/ در چشم من قاتل خوب وجود ندارد (همان: ۶۰).

یکی از جلوه های بارز دخالت بیگانگان، انعقاد بیانیه ها و معاهده هایی است که معمولاً به نفع بیگانگان و قدرت های استعماری تمام می شود. زکریا و نرودا نیز قراردادهای استعمارگران را از جلوه های مهم دخالت بیگانگان در کشور خود می دانند و با اتخاذ مواضع صریح این اقدامات را محکوم می کنند. با این تفاوت که نرودا مقصر اصلی این ماجراها را رهبران بی لیاقت کشور می داند که منافقان داخلی اند، اما زکریا استعمارگران را مسئول مستقیم قلمداد می کند و به نکوهش مداخلات آنان می پردازد. چراکه در شیلی همواره جریانات براندازانه با چراغ سبز قوای داخلی، نیروهای خودفروخته ارتش و گروه های مخالف (اپوزیسیون) داخلی صورت می گیرد و بیش از آنکه نفوذ بیگانگان عرصه را بر سیاست و حکومت شیلی تنگ سازد، تحرکات مزدورانه سردمداران داخلی سبب این انحطاط شده است. چنان که با تأمل در تاریخ سیاسی شیلی نقش این کودتاها در سرنگونی دولت ها به مدد همسازی و هم نوازی حکام داخلی خائن به وضوح مشهود است (نک: مسعودنیا، ۱۳۹۱: ۲۳۰)؛ اما در الجزایر شرایط به گونه ای متفاوت پیش آمد؛ بیشترین ضربات بر پیکره استقلال الجزایر از ناحیه حرکات اشغالگرانه فرانسویان وارد آمد. نگاهی به گاه شمار تحولات سیاسی الجزایر نشان می دهد اقداماتی که فرانسویان از همان آغاز اشغالگری در سال ۱۸۰۸ م انجام دادند تا سال ۱۹۵۹ م که ژنرال دوگل اعلام خودمختاری کرد، همه «در راستای تثبیت استیلای دولت فرانسه بر این کشور و انضمام کامل آن است و این علی رغم مقاومت شدید مردم صورت گرفته است» (امیردهی، ۱۳۸۸ ش: ۱۴۴).

مفدی زکریا در قصیده «حروفها حمراء» از بیانیه «گی مولی» رئیس جمهور سابق فرانسه برای برگزاری انتخابات در سال ۱۹۵۸ به سختی انتقاد کرد و در واکنش به این اقدام، تشکیل مجلس ملی بدون توجه به مسئله ملی گرایی را امری بی اساس دانست و بر استقلال میهن به عنوان خواسته مهم ملت تأکید نمود:



لَاذَّ بِالْإِنْتِخَابَاتِ مَوْلَى سَفَاهَا      فِي بِلَادِ تَسْيِيلٍ فِيهَا الدَّمَاءُ  
أَيْ مَعْنَى لِمَجْلِسٍ، دُونَ حُكْمٍ      وَطَنِي، عَلَى يَدَيْهِ الْقَضَاءُ  
نَحْنُ نَبْعَى اسْتِقْلَالَنَا حَرْفُوهُ      مَا اسْتَطَعَمَ أَنْ صَدَّ عَنْهُ الْحَيَاءُ<sup>(۲)</sup>

(همان: ۴۹)

همچنین شاعر در سال ۱۸۳۴ م در واکنش به معاهده الحاق الجزایر به اراضی فرانسه که نابودی الجزایر و خدشه دار نمودن تمامیت ارضی آن را نشانه رفته بود با بیانی قاطع و سلحشورانه و آگاهی بخش می گوید:

وَ اسْتَضَعُّوهُ، فَتَرَوْا إِذْ لَأَلَهُ      فَأَبَتْ كِرَامَتُهُ لَهُ أَنْ يَخْضَعَا  
وَ اسْتَدْرَجُوهُ، فَابَّزُوا إِدْمَاجَهُ      فَأَبَتْ عُزُوبَتُهُ لَهُ أَنْ يَبْلُغَا<sup>(۳)</sup>

(همان: ۵۳)

نرودا نیز از قراردادهای ننگینی که بین شیلی و آمریکا منعقد شده، به شدت انتقاد می کند و برخلاف زکریا، رهبران و حاکمان داخلی را مسئول اصلی این اتفاق می داند. «ادواردو فرای»، رئیس جمهور شیلی، از جمله رهبران داخلی است که با انعقاد قراردادهای اقتصادی ننگین، نقش ویژه ای در تسلیم صنایع و معادن کشور به استعمارگران ایفا کرد. شاعر با محکوم کردن اقدامات فرای، وی را همدست استعمارگران در غارت منابع شیلی به ویژه مس می خواند و از این امر ابراز انزجار می کند:

سرزمین ما پر بود از خورشید مدفون کوهستان ها/ از مسی که برای دزدان آمریکایی  
مقدر نشده بود/ تا اینکه پرزیدنت فرای آن شبه مسیحی ینگه/ دنیایی شده تا خرخره/  
مسمان را به دشمنان داد (نرودا، ۱۳۶۴ ش: ۲۹).

## دعوت به مبارزه و مقاومت و تحمل مشقات آن

یکی از وجوه مشترک مضامین مقاومت گونه دو شاعر آشکار ساختن ادعاهای دروغین استعمارگران و جلوه دادن مقاومت به عنوان تنها راه نجات از چنگال پلید این جهان خواران است.

زکریا با یادآوری خطرات سلطه‌طلبانه این قدرت‌های استکباری متذکر می‌شود که این جلادان پیمان‌شکن‌اند و حق تنها با جهاد خونین محقق می‌شود، نه با پیمان‌نامه‌های دروغین و کاغذی:

لا تشغیلنا بأثوابٍ وأرغفةٍ      أهدأفنا المجد لیس الخبیر و الخیرق  
فکم قطعتم عهداً وأصبحت خُلماً      حتی غدونا بغير الحرب لا تثنق  
حقوقنا بدم الأحرار نکتبها      لا الحیر أصبح یعیننا و لا الوراق<sup>(۴)</sup>

(زکریا، ۱۹۶۱: ۳۱۱)

از دیگر نقاط مشترک و مهم دیگر، امیدواری زکریا و نرودا به مردم سرزمین خویش است. از نظر آن دو، مردم ستون اصلی پیروزی‌ها در بحران‌های متعدد و شرایط ناگوارند؛ از این رو هیچ‌گاه این دو از تأثیرپذیری مردم از سخنانشان ناامید نمی‌شوند و با پرهیز از منفی‌گرایی سعی در افزایش روحیه مبارزه‌طلبی و تشویق خلق به ایستادگی و مقاومت داشته‌اند.

سروده «فاشهدوا» از سروده‌های مهم شاعر است که غیرت و مردانگی ملت الجزایر را به تصویر می‌کشد. این سروده نیز بازتاب گسترده‌ای در میان طیف‌های مختلف الجزایری داشت تا آنجا که پس از اندکی سرود رسمی انقلاب الجزایر و پس از آن، سرود ملی این کشور گردید:

نحن جنود فی سبیل الحق نرنا      والی استقلالنا بالحرب قمننا  
لم یکن یصغی لنا لیا نطقنا      فاتخذنا زنة البارود وزنا  
وعرفنا نغمه الرشاش لنا      وعقدنا العزم أن نحمی الجزائر<sup>(۵)</sup>

فاشهدوا... (همان: ۷۱)

نرودا نیز مردم شیلی را مردمانی مبارز و مقاوم می‌داند که از سردمداران حکومت نیز جلوترند و مسائل را بهتر درک می‌کنند، پس به آنها افتخار می‌کند و آنان را به احقاق حقوق خود می‌خواند و به مبارزه و قیام تشویقشان می‌کند:

افتخار بر پیروزی موعود/ افتخار بر مردمی که/ به دورانی رسیده‌اند/ که حق خود را

برای زیستن به ثبوت می‌رسانند (نرودا، ۱۳۶۴ ش: ۳۱).

## جهان‌وطنی

ترسیم رنج و مظلومیت ملت‌های ستمدیده - فارغ از مرزهای جغرافیایی - از مقوله‌هایی است که بازتاب ویژه‌ای در آثار زکریا و نرودا یافته‌است. تفاوت عمده آثار دو شاعر در این زمینه آن است که زکریا تنها به مسائل کشورهای جهان عرب محدود است، ولی نرودا به دلیل سمت‌های سیاسی به اکثر کشورهای جهان سفر می‌کرد و به همین سبب از نزدیک رنج‌های مردم کشورهای مختلف را به‌خوبی لمس می‌کرد تا جایی که مجموعه‌های شعری مستقلی را در توصیف دردهای ملت‌های مظلوم سروده‌است. از این روی دید جهانی نرودا برخلاف زکریا وسعت بیشتری دارد و این موضوع از او شاعری جهانی ساخته‌است. فلسطین مهم‌ترین مسئله جهان عرب است که تحریک این زخم کهنه همواره عاملی برای تحریک انگیزه جهاد در بین ملت‌های آزاده بوده‌است. ستایش مقاومت و پایداری ملت مظلوم فلسطین و قهرمانان مبارز، نوعی دیگر از حس جهان‌وطنی است که در شعر زکریا نمود خاصی دارد. شاعر خیانت به فلسطین را عامل اشغال اراضی این کشور می‌داند و بی‌توجهی و اهمال به قضیه قدس را ننگ و عار دانسته و تأکید می‌دارد که این کوتاهی جبران خواهد شد:

فلسطینُ لا تیسبی انّی  
لإن حنث فیما مضی انّه  
وأهملتُ قدسی نهب الذناب  
سأصلح فی الشرق أخطائیه  
یوبخنی الیوم وجدانیه  
قالبسنی الخیزی إهمالیه<sup>(۶)</sup>

(زکریا، ۱۹۶۱: ۲۸۵)

در ۱۹ ژانویه ۱۹۶۱ فرانسویان با حمله به شهر «بنزرت» در تونس حادثه هولناکی را رقم زدند که منجر به کشته شدن هزاران انسان بی‌گناه گردید. زکریا با اشاره به این حادثه از فرزندان وطن می‌خواهد خاک آنجا را از لوث دشمنان پاک کنند و سلحشوران تونس را جاودانه سازند:

و یا جنودا شمّرت للقاء  
ألّووا إلی الأعماق حبیش العداء  
وعسّلوا بالدمّ أرض الحمی  
حطّوا الطریق بدم الشّهدا  
وطهّروا بنزرت منهم غدا  
وتخلّدوا ثونس فی الخالدین<sup>(۷)</sup>

(همان: ۲۱۳)

همان گونه که اشاره شد، دید جهانی نرودا وسعت بیشتری دارد. تعهد او درباره همه مردم جهان است، او هر جا که پا نهاده با مشاهده بی‌عدالتی سکوت نکرده و اشعارش از فریاد خالی نبوده است. شاعر در پیشگفتار کتاب انگیزه نیکسون‌کشی و جشن انقلاب شیلی می‌گوید:

از هیچ کس پوزش نمی‌طلبیم؛ سرودهای من، در برابر دشمنان مردم به مانند سنگ آرائوکانی‌ها سخت و تازنده است. این عملیات ممکن است عملیات کوتاه مدتی باشد، اما من آنها را به انجام می‌رسانم و به کهن‌ترین سلاح، شعر، توسل می‌جویم» (نرودا، ۱۳۶۴: ۱۹).

در سال ۱۹۳۶ آتش جنگ داخلی اسپانیا شعله‌ور شد و مردم این کشور به مقاومت قهرمانانه‌ای در برابر نیروهای فاشیستی دست زدند. خشم بی‌پایان او نسبت به جنایت‌ها و بی‌رحمی‌های ارتش فاشیست اسپانیا، الهام بخش سرودن مجموعه‌هایی با عنوان اسپانیا در قلب من و چند چیز را توضیح می‌دهم شد. شاعر جنایت‌ها و سرکوب مردم بی‌دفاع اسپانیا به وسیله ارتش فاشیست اسپانیا را این گونه شرح می‌دهد:

در یک صبح آتشی از زمین بر می‌خواست که بشریت را می‌بلعید/ از آن زمان آتش خاک انفجار روشن شد و خون برپا شد/ راهزنان با هواپیماها و مورس/ راهزنان با انگشتان در حلقه و دوشن‌ها/ راهزنان با راهبه‌های سیاه که بخشش می‌پراکنند/ از آسمان آمدند که کودکان را بکشند (نرودا، بی‌تا: ۵۷).

## وطن‌گرایی

عشق و علاقه به سرزمین مادری وصیانت از آن در مقابل تعرض دشمنان با توجه به رنج‌دیدی دو شاعر از حوادث تلخی که در طول سالیان متمادی بر کشورهایشان گذشته، در شعرشان انعکاس ویژه‌ای یافته است. الجزایر در نظر زکریا قبله‌گاه عشق و خاستگاه آرزوهای اوست که ایمان و اعتقادش به آن گره خورده است. میهنی که ورای تصویرها به آن عشق می‌ورزد و در سرتاسر جهان عشق آن را فریاد می‌زند؛ عشقی که آوارگی او را رقم‌زده است:

فَیَا أَیُّهَا النَّاسُ هِنْدِیْ بِلَادِیْ	وَمَعْبُدُ حُبِّیْ وَحُلْمُ فِئَادِیْ
وَأیمانُ قَلْبِیْ وَحَالِصُ دِیْنِیْ	و مبناهُ فی مِلَّتِیْ وَ اِعْتِقَادِیْ
بِلَادِیْ أَحِبُّكَ فَوْقَ الظَّنُونِ	وَ أَشَدُّ بِحُبِّكَ فِی كُلِّ نَادِیْ
عَشِيقْتُ لِأَجْلِكَ كُلِّ جَمِیلِ	وَ هَمْتُ لِأَجْلِكَ فِی كُلِّ وادِیْ <sup>(۸)</sup>

(زکریا، ۱۹۸۷: ۳۷)

نرودا نیز مانند زکریا عشق بی‌انتهایی به میهن داشت. عشق عظیم و پرغروری که با جزء جزء خاک و طنش پیوند یافته بود:

اگر تمام خاک زمین باشی / تنها مستی از تو کافی است / برای آنکه تا ابد بپرستمت / از  
میان صور فلکی، چشم‌های تو / تنها نوری است که می‌شناسم / تنت به بزرگی ماه /  
برهنه پای از تو عبور می‌کنم / و تنگ می‌بوسمت / ای سرزمین من (نرودا، بی‌تا: ۹).

نگاهی به زندگی سیاسی ادبی دو شاعر روشنگر این مطلب است که نوستالژی وطن در شعر نرودا نسبت به زکریا نمود بیشتری دارد. زکریا به دلیل نزدیکی زبان و فرهنگ کشورش با کشورهای تبعیدگاهش همچون تونس و مغرب، کم‌تر درد غربت را احساس می‌کرد و این تبعید فرصتی برای شاعر فراهم کرده تا اهداف ضداستعماری خویش را دنبال کند. این حس وطنخواهی به تونس در نزد شاعر ناشی از آن است که اولاً تونس بلادی عربی است و فضای حاکم بر کشورهای عربی عموماً به لحاظ نژادی و زبانی و دینی و فرهنگی دارای تشابهات فراوانی است و زکریا در آنجا کمتر غم غربت را حس می‌کند و ثانیاً به خاطر اینکه زکریا دوران خوش کودکی و نوجوانی و جوانی را در تونس گذرانده و در واقع به نوعی حس وطن‌خواهانه نوستالژیکی به این بلاد دارد و یادآوری دوران خوشگوار عیش در تونس به نحوی حکم وطنخواهی خود او را دارد. او در بیان حس آن دوران و شرح شور اشتیاق خویش به یاران آن زمان می‌گوید:

بِلَادُهَا قَضَيْتُ عَصْرَ سَبِيئِي      تُرَاوِجِنِي فِيهَا الْمَدْرَسُ وَالْكَتَبُ  
وَتُنْعِشُنِي فِيهَا قَلُوبُ ذَكِيَّةٍ      وَيُسَعِدُنِي فِيهَا الْأَخْلَاءُ وَالصَّحْبُ  
صَبُوتُهَا حِينًا مِنَ الدَّهْرِ عَابَثًا      وَأَيُّ فِتْنِي فِي أَرْضِ تُونِسَ لَا يَصْبُورُ<sup>(۹)</sup>

(زکریا، ۱۹۶۱: ۱۵۷)

شاعر نزدیکی و پیوند عمیق خود به میهن را دلیل غربت و دوری می‌داند و تأکید می‌کند که با وجود فاصله‌ها محبت میهن را در دل دارد و در غربت نیز برای سربلندی وطن تلاش می‌کند:

و قالوا هجرت زُموغ البلادِ      وَ هَمَّتْ مَعَ الشَّعْرِ فِي كَلِّ وادی  
 أَجَلٌ قَدْ بَعُدَتْ لَازِدًا قُرْبًا      وَ يُلْهَبُ حُبُّ بِلَادِي فَوَادِي  
 أَرَى فِي كِيَانِ الْجَزَائِرِ ذَاتِي      بِكَلِّ اعْتِرَازٍ وَ كَلِّ اعْتِدَادِ  
 وَ إِنِّي بِتَحْلِيلِ مَجْدِ بِلَادِي      مُتَقِيمٌ عَلَى الْعَهْدِ رُغْمَ الْبُعَادِ<sup>(۱۰)</sup>

(زکریا، ۱۹۸۷: ۱۱۷)

اما نرودا در مقابل برخلاف زکریا پیوسته از زندگی دردآور تبعید، شکوه کرده و این امر در دورانی که وی در شهرهایی چون کلکته، جاوه و سیلان اقامت داشت بیشتر خود را نشان می‌دهد. وی در خاطراتش از آن دوران به عنوان تلخ‌ترین دوران شعری خویش یاد می‌کند و از فرهنگ و زبان متفاوت آن کشورها و سفرهای متعدد به کشورهای مختلف به عنوان عوامل سیطره حس غربت و ایجاد اشتیاق شدید به میهن تعبیر می‌کند. اشتیاق نرودا برای میهن همیشه با حسرتی بی‌پایان درآمیخته است. تعصب شدید محیط هندی در زمانی که نرودا در کلکته اقامت داشت بر او تأثیر بدی می‌گذاشت. شاعر به دنیای درون خود تبعید شده بود. وی در نخستین جلد «خاطرات سیاه» از آن دوران غمبار و سیاه یاد می‌کند:

شهری از خون از خواب و از طلا / رود روان از جنگل وحشی / به سوی شهر گرم / به  
 سوی خیابان‌هایی جذامی / با هتلی سپید برای سفیدها / و پرستشگاهی از طلا برای  
 مردم طلایی‌رنگ (فراری، ۱۳۸۲: ۳۰۱).

### سوگنامه شهیدان و پاسداشت مبارزان راه آزادی

یکی دیگر از مضامین ادب مقاومت، پرداختن به شهیدان و مبارزان راه آزادی و منزلت آنها، به عنوان یک رسالت عمومی است. دو شاعر با مقدس جلوه‌دادن شأن این مجاهدان، شهامت و ازجان‌گذشتگی گوهرهای مقاومت و ایثار را با زبان فاخر و پرصلابت و تغزل‌های پراحساس خویش به زیبایی به نمایش گذاشته‌اند. «الذبیح الصاعد» مشهورترین قصیده‌ای است که زکریا در زندان بربروس در وصف شجاعت و پایداری «احمد زبانا» یکی از مبارزان، هنگام رفتن به پای چوبه دار گفته است. شاعر در وصف صحنه به شهادت رسیدن وی می‌گوید:

قَامَ يَخْتَالُ كَالْمَسِيحِ وَبِيَدَا      يَتَهَادَى نَشْوَانٌ يَتَلَوُّ النَّشِيدَا  
بِاسْمِ الثَّغْرِ كَالْمَلَأْمِكِ أَوْ كَالطِّ      فَبَلٍ يَسْتَقْبِلُ الصَّبَاحَ الْجَدِيدَا  
شَاخِحًا أَنْفَهُ جَلَالًا وَتِيهًا      رَافِعًا رَأْسَهُ مُنَاجِي الخُلُودَا  
وَتَعَالَى مِثْلَ المَوْذَنِ يَتَلَوُ      كَلِمَاتِ الهدى وَ يَدْعُو الرُقُودَا<sup>(۱۱)</sup>

(زکریا، ۱۹۶۱: ۱۷)

نرودا نیز از توصیف رادمردان عرصه مبارزه بازنايستاده است. او درباره ژنرال اشنايدر رئيس ستاد ارتش طرفدار حکومت آنده که با دسيسه دشمنان خارجي به ويژه آمريکا و مخالفان دولت کشته شد چنين می سرايد:

ديگر دير است بدکاران رفته اند / اشنايدر زخم خورده و خونين مرده / و جنایت به  
انجام رسیده است / سکوتی بزرگ زندگی مان را فرا گرفته است / صد مرد در برابر  
سربازی تنها / یک صد یاغی جيون در برابر سردار مقتول من (نرودا، ۱۳۶۴: ۶۵).

زکریا و نرودا تنها به ستایش مبارزان اکتفا نکرده و با اشراف کامل به پیشینه کشور خود، از یاد و خاطره مبارزان حماسه ساز تاریخ کشورشان نیز غافل نبوده اند. در این میان نرودا برخلاف زکریا علاوه بر قهرمانان سرزمین خویش به مبارزان آزادمرد دیگر ملت ها نیز پرداخته است و جان فشانی های آنان را به نمایش گذاشته است. «فاطمه نسومر» از اسطوره های مقاومت و پایداری است که با فرماندهی گروه های انقلابی در رشته کوه های «جرجره» و ایستادگی در برابر متجاوزان فرانسه، مجاهدات و دلاوری های بی بدیلی را رقم زد. زکریا شهادت این قهرمان مبارز را می ستاید تا حس خود به این شخصیت ویژه تاریخ الجزایر را نشان دهد:

وَ تَأْكُورُ نُورَتَنَا العَامِمَةَ      بُطُولَاتِ سِيَلَتِي فَاطِمَةَ  
يُنَجِّجُرُ بِرَكَائِثِهَا جَرَجِرَا      فَتَرْجِفُ بَارِيسُ وَ العَاصِمَةَ  
وَ صَعَّرَتِ لِلجَنَرَلَاتِ خَدًّا      فَخَابَتِ نَوَايَاهُمُ الأَثْمَةَ<sup>(۱۲)</sup>

(زکریا، ۱۹۸۷: ۵۷)

نرودا نیز از تاریخ شیلی و قهرمانان گذشته غافل نیست و همان طور که اشاره شد برخلاف زکریا در این میان قهرمانان و مبارزان دیگر ملت‌ها نیز از ستایش و تحسین وی بی‌نصیب نمانده‌اند. لائوتارو رهبر سرخپوستان آرائوکانی که در هجده‌سالگی به سال ۱۵۵۳ ارتش اسپانیایی‌های فاتح را شکست؛ مانوئل رودریگز از رهبران چریک‌های قرن نوزدهم؛ بالماسدا رئیس جمهور مردم شیلی که در سال ۱۸۹۱ با اتحاد مالکان، بانکداران و صاحبان معدن از کار برکنار شد. نرودا بالماسدا را هم‌تراز آینده می‌داند. تسلیم‌نشدن به شرکت‌های انگلیسی که نترات شیلی را می‌خواستند او را به سوی انزوا و خودکشی راند (نرودا، ۱۳۶۴: ۱۳):

مردمان جهان به افق روشن بنگرید! / و به «لائوتارو» ی جوان که با ماست / مردمان جهان دنیا در  
پی مشعل ما می‌آید / و «مانوئل رودریگز» با ماست / مردم بیابید به گذشته بازگردیم / چراکه بالماسدا  
با ماست / ما پیروز می‌شویم، مردم حاکم‌اند / و دستانشان آذرخش را هدایت می‌کند (همان: ۱۶).

### نقد حاکمان ظالم

نقد حُکام ستمکار و برملاسازی چهره آنان نیز نکته مهم دیگری است که در اشعار این دو شاعر جلوه یافته است. این دو بدون هیچ‌گونه مسامحه‌ای و بدون آنکه حاکمان جور را مورد نصیحت قرار دهند به شدت با تیغ تیز واژگان به آنان تاخته و به تندوی آنان را مورد نکوهش قرار می‌دهند. این امر در اشعار نرودا به دلیل سرسختی غربی و فرهنگ سرخپوستی اش نسبت به زکریا نمود بیشتری دارد و با الفاظی گزنده‌تر به پیکره دشمنان و مزدوران داخلی‌شان می‌تازد.

در سال ۱۹۵۹ سازمان ملل متحد جلسه فوری خود را به منظور بررسی بحران الجزایر برگزار کرد که با کارشکنی فرانسه ناکام ماند. زکریا با انتقاد از سیاست‌های متناقض و فریبکارانه «دو گل» رئیس جمهور وقت فرانسه، ادعای وی مبنی بر توقف جنگ و کشتار را امری واهی و دروغین می‌داند و تأکید می‌کند که ثروت‌های ملی الجزایر از آن مردم این کشور است و تعدی به حقوق آنان خیانت است:

دِیغُولِ یَعْلَمُ مَا تُرِيدُ وَ یَفْهَمُ	مَا بَأْلُهُ حَیْرَانَ لَا یَسْتَكَلِّمُ
فَقَدَ الصَّرَاحَةَ أَمْ أَضَاعَ فَصَاحَةً	أَمْ أَنْ تَقَرَّرَ الْمَصِیْرَ تَوَهُمُ
وَقَفَّ الْقِتَالَ خَرَّاقَةً إِنْ لَمْ یَكُنْ	لِلشَّعْبِ فِی أَمْرِ الْمَصِیْرِ تَحْکُمُ
أَرْضُ الْجَزَائِرِ لِإِبْنِهَا تُرَوِّئُهَا وَ	مِنَ الْخِیَانَةِ أَنْ تُبَاغِ الْأَسْمُهُمُ <sup>(۱۳)</sup>

(زکریا، ۱۹۶۱: ۱۲۵)



بررسی مضامین مقاومت و استعمارستیزی در اشعار مفدی زکریا و پابلو نرودا ... مالک عبدی، نوال مجدم

نرودا نیز همچون زکریا در برشمردن ویژگی های بیدادگران عقب ننشسته است، هرچند صدای انتقاد و تنفیر وی با شدت بیشتری طنین انداز شده، به گونه ای که همواره با الفاظی تند و پر از خشم به والیان و حاکمان ظالم تاخته و آنان را مورد نکوهش قرار می داد. او از «والت ویتمن» شاعر آزاده قرن نوزدهم که پدر شاعران آمریکایی تلقی می شود، استمداد می طلبد تا به مدد وی حکم تیرباران «نیکسون» را که از کاخ سفید مشق آدمکشی می کند و دستانش به خون انسان های بی گناه آلوده است، به اجرا درآورد:

حال که خواسته ام تا شاعر کهن سال با من به کنکاش بنشیند / وظایف یک شاعر را بر  
عهده می گیرم مسلح به سرود یک رزم آور / چراکه باید این حکم را که نظیرش تابه حال  
دیده نشده است / بی هیچ تأسفی به اجرا درآورم / حکم تیرباران جنایتکاری در  
محاصره / که از کاخ سفید مشق آدمکشی می کند (نرودا، ۱۳۶۴ ش: ۲۲).

یکی دیگر از چهره های ظالم که نرودا در اشعارش به آن پرداخته است، «فرانکو» رئیس دولت اسپانیا است که با توطئه و زور قدرت را در دست گرفت و تا چهل سال خفقان و ظلم را بر سر مردم اسپانیا ریخت. نرودا قلمرو جنایتکار اسپانیا را دوزخ می خواند و بیداد او را برمی شمرد:

به راستی این دوزخ با آن دوزخ چه تفاوتی دارد / در زوزه سپاهیان تو در شیر مقدس  
مادران اسپانیا / حتی اگر دیدگانت را با سنجاق بدوزند / تو باید بیدار بمانی ژنرال هماره  
بیدار / در میان گنداب نومادرانی که به رگبارشان بستنی (نرودا، ۱۳۶۴: ۷۷).

## نتیجه گیری

با مطالعه و کنکاشی جامع در دیوان اشعار دو شاعر، محرز شد که در پرداخت هنری مضامین مقاومت طلبانه کفه ترازو در هر یک از مؤلفه های پایداری به سمت یکی از دو شاعر سنگینی می کند؛ بدین سان که به لحاظ تأثیر شاخصه های اعتقادی و زیرساخت های فرهنگی و محیطی که هر یک از دو شاعر در آن رشد یافته اند، در برخی مضامین اشعار زکریا رنگ و بویی بهتر و جلوه ای

کارآمدتر داشته و در جاهایی شور حماسی نرودا قابل ستایش تر است. نتایج بحث حاکی از آن است که نوستالژی وطن در شعر نرودا نسبت به زکریا نمود بیشتری دارد. زکریا به دلیل نزدیکی زبان و فرهنگ کشورش با کشورهای تبعیدگاه، کم تر درد غربت را احساس می کند، اما نرودا پیوسته از زندگی دردآور تبعید شکوه کرده و از فرهنگ و زبان متفاوت به عنوان عوامل سیطره حس تلخ غربت و ایجاد اشتیاق شدید به میهن تعبیر می کند. هر دو شاعر با مواضع صریح و آشکار خود، باب جدیدی در مبارزه با استعمارستیزی گشوده و نقش برجسته‌ای در بیداری مردم از خواب غفلت و آگاهی بخشیدن به آنها برای مقابله با استعمارگران ایفا کرده‌اند. هر دو شاعر به نکوهش جلوه های دخالت بیگانگان پرداخته اند، با این تفاوت که نرودا مقصر اصلی این ماجراها را رهبران و حاکمان بی لیاقت داخلی می داند اما زکریا استعمارگران را مسئول مستقیم قلمداد می کند. این دو، تلاش گسترده ای در افشای ادعاهای دروغین استعمارگران ابراز کردند. از این نظر هر دو، تنها راه نجات ملت هایشان را ایستادگی و مقاومت می دانند. آن دو مردم را ستون اصلی پایه های پیروزی در بحران های متعدد و شرایط ناگوار دانسته و هیچ گاه از تأثیر سخن خود بر مردم ناامید نشدند و سعی در افزایش روحیه مبارزه طلبی در نزد مردمانشان داشته اند. تکریم شهیدان و مبارزان راه آزادی نیز جایگاه پراهمیتی در سروده های زکریا و نرودا دارد، هرچند هر دو شاعر، تنها به ستایش مبارزان و قهرمانان عصر خویش اکتفا نکرده و با اشراف کامل به تاریخ و گذشته خود از یاد و خاطره بزرگان و مبارزان حماسه ساز کشورشان غافل نبوده اند، اما نرودا برخلاف زکریا علاوه بر قهرمانان تاریخ سرزمین خویش به مبارزان دیگر ملت ها نیز پرداخته است. هر دو شاعر نقش مهمی در رساندن صدای مظلومیت ملت های رنج دیده به گوش جهانیان ایفا کردند، با این تفاوت که زکریا تنها به قضایای کشورهای عربی می پرداخت، درحالی که نرودا به دلیل سمت های سیاسی و کثرت سفرهایش از نزدیک شاهد رنج دیدگی ملت های مختلف بوده، از این رو دید جهانی نرودا برخلاف زکریا وسعت بیشتری دارد و این موضوع از او شاعری جهانی ساخته است. نشان دادن چهره بیدادگران زمانه و نقد رفتار آنان انعکاس ویژه ای در اشعار دو شاعر دارد و این وجه انتقادی، غیر ترحم آمیز و با گزند شدید بی واسطه تیغ واژگان صورت می پذیرد. در این زمینه نیز اشعار نرودا به دلیل خشونت فرهنگ سرخپوستی که در آن رشد یافته از شدت و حدت بیشتری برخوردار است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. و چه بسیار ستمگرانی که بر زمین کوبیدیم و چه انسان‌های شیطان‌صفتی که سنگسار کردیم و بسی بت‌های شاخص که در هم کوبیدیم و چه بت‌هایی که از آنان انسان ساختیم و چه پرچم‌های نهضتی که بر آن افراشته نکردیم که اشعارمان افتخارات ما را جاودانه کرد.
۲. این ارباب بدخوی از برگزاری انتخابات در سرزمینی سخن می‌گوید که خون در آن جاری است. هیچ مفهومی برای تشکیل مجلسی که حکم قانونی و وطنی را ندارد، وجود ندارد. ماخواهان استقلالمان هستیم، حتی اگر آن را تحریف کنید اساس آن تغییر نخواهد کرد.
۳. با تضعیف الجزایر تصمیم به تحقیر آن گرفتند ولی کرامت و عزت میهن از تسلیم‌شدن سر باز زد، و تصمیم به الحاق آن گرفتند، اما تمسک به فرهنگ عربی مانع از پذیرش آن شد.
۴. با مال و لباس ما را فریب نده؛ زیرا مجد و عزت هدف ماست، نه لباس و نان. و چه وعده‌هایی که تحقق آن رؤیا به شمار می‌رفت، از این‌رو تنها جنگ، پیش روی ما قرار گرفت و به آن اعتماد کردیم. حق خویش را با خون آزادگان نگاشتیم و دیگر قلم و کاغذ برایمان اهمیتی ندارد.
۵. ما سربازانی هستیم که در راه حق به پا خواستیم و برای استقلال خویش مبادرت به جنگ نمودیم. هنگامی که سخن می‌گفتیم کسی به حرف‌هایمان گوش نمی‌داد؛ از این‌روی صدای باروت را وزن و صدای مسلسل را آهنگی شناختیم و عزم‌ها را جزم کردیم تا الجزایر احیا شود؛ پس گواه باشید.
۶. فلسطین! ناامید نشو که من خطای خود در شرق را اصلاح خواهم کرد. اگر در گذشته مورد خیانت واقع شدی امروز وجدانم مرا ملامت می‌کند. کوتاهی و اهمال، قدس را طعمه گرگان قرار داد و رخت ننگ و سرافکنندگی بر تن من کرد.
۷. ای سربازانی که خود را فدایی وطن کردید، با خون شهدا این راه را ببیماید. ارتش دشمن را به سرازیری افکنید و شهر بنزرت را از وجود ناپاکشان پاک کنید و این سرزمین غیور را با خون آغشته کنید و تونس را در کرانه‌های جاودانگی جاودانه سازید.

۸. ای مردم این سرزمین من است که معبدگاه عشق، آرزوهای قلبی، ایمان قلبی و خلوص دینی من به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که مبنای اعتقاد من بر آن قرار دارد. ای سرزمین من، ورای تصوّر‌ها به تو عشق می‌ورزم و در هر مکانی عشق تو را فریاد خواهم زد. به خاطر تو به تمامی زیبایی‌ها دل بستم و در هر کوی و برزنی آواره شدم.

۹. سرزمینی که دوران کودکی خویش را در آن سپری کردم و خاطرات مدارس در آنجا برایم تداعی می‌شود. قلب‌های پاکی در آنجاست که مرا به شور می‌آورد و دوستان و یارانی که مرا کام‌روا و سرمست می‌کنند. روزگاری که در آنجا عشق پیشه کردم و آیا جوانی هست که در سرزمین تونس عاشق نگردد؟!

۱۰. گفتند که سرزمینت را ترک کردی و همراه با اشعارت، در مناطق مختلف سرگردان شدی؛ آری دوری گزیدم تا نزدیکی بیشتری با وطن پیدا کنم و محبت میهنم سرتاسر قلبم را فراگیرد. با تمام عزت و افتخار وجود خویش را در وطن الجزایر می‌بینم؛ و من برای جاودانه ساختن مجد و بزرگی سرزمینم، علی‌رغم دوری بر عهد خویش پایبند هستم.

۱۱. مانند مسیح بافتخار و خرامان‌خرامان به سوی چوبه دار گام می‌نهد و سرمست از شوق دیدار، زیباترین آوازه‌ها را زمزمه می‌کند؛ مانند ملانک و همچون کودکی، به استقبال صبحگاه جدید می‌رود. سر خویش را بالا گرفته و با عزت و شکوه با خدای خویش نجوا می‌کند و همچون مؤذن که برای اذان از مناره بالا می‌رود، ندای هدایت را بر زبان جاری می‌کند.

۱۲. انقلاب ویرانگر ما قهرمانی‌های سرورم فاطمه را به یاد می‌آورد. آتش‌فشان وجودش کوه‌های جرجرا را ویران کرده و از این رویداد فرانسه و پایتختش پاریس به لرزه درمی‌آیند. او ژنرال‌های فرانسوی را تحقیر می‌کند و با این کار، مقاصد پلید آنان را نافرجام می‌گذارد.

۱۳. دوگل از آنچه ما خواهان آن هستیم، آگاهی دارد، چرا متعجب و حیران سکوت کرده‌است و حرفی نمی‌زند؟ صراحت و فصاحت خود را از یاد برده‌است، یا اینکه تعیین سرنوشت امری خیالی است. اگر ملت در سرنوشت خویش سهم نباشد، توقف کشتار، امری دروغین و ناممکن است. ثروت‌های الجزایر به فرزندانش تعلق دارد و خریدوفروش آن خیانت است.

## کتابنامه

- امیردهی، ع.ر، (۱۳۸۸ ش)، «الجزایر سرزمین یک میلیون شهید»، اندیشه تقریب، سال پنجم، شماره ۱۸. انسینا، فرانسیسکو، (بی‌تا)، تاریخ شیلی، بی‌جا.
- آلگربا، فرناندو؛ اشرفی، محسن، (۱۳۷۴ ش)، آئنده روایت یک زندگی، تهران: نشر اطلاعات.
- بورشتاین، ادوارد؛ محمود ریاضی، (۱۳۸۵ ش)، نظری به درون شیلی آئنده، تهران: نشر آشنا.
- جویا، ن، هزار روز انقلاب شیلی، (۱۳۶۰ ش)، تهران: نشر ابوریحان.

بررسی مضامین مقاومت و استعمارستیزی در اشعار مفدی زکریا و پابلو نرودا ... مالک عبدی، نوال مجدم

- حجازی، بهجت السادات؛ رحیمی، فائزه، (۱۳۹۰ ش)، «وطن دوستی در سروده‌های اخوان ثالث و ایلیا ابوماضی»، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر، کرمان، شماره ۵، صص ۷۳-۱۰۰.
- دی اسکید، جورج، (۱۳۷۵ ش)، پابلو نرودا، ترجمه: رؤیا رضوانی، تهران: نشر کهکشان.
- روبر، آژرون (بی‌تا)، تاریخ معاصر الجزایر، ترجمه: منوچهر بیات مختاری، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- الزاهری، محمدهادی، (۱۹۲۶ م)، شعراء الجزائر فی العصر الحاضر، تونس: المطبعة التونسیه.
- زکریا، مفدی، (۱۹۶۱ م)، دیوان اللهب المقدس، بیروت: منشورات المكتب التجاری.
- زکریا، مفدی، (۱۹۸۷ م)، الیاذة الجزائر، الجزائر: الموسسه الوطنیه للکتاب.
- سعدالله، ابولقاسم، (۱۹۷۶ م)، تاریخ الجزائر الحدیث، دون مکان.
- سیدی، سید حسن، (۱۳۸۲ ش)، ادبیات تطبیقی، مشهد: به نشر.
- غنیمی هلال، محمد، (۱۳۷۳ ش)، ادبیات تطبیقی، ترجمه: مرتضی شیرازی، تهران: امیرکبیر
- فراری، آمریکو، (۱۳۸۲ ش)، شاعران بزرگ آمریکای لاتین، ترجمه: قاسم صنعوی، تهران: یکتا.
- قادری، فاطمه، (۱۳۸۹ ش)، «مفدی زکریا و شعر مقاومت الجزایر»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر، کرمان، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۳۹-۲۶۰.
- گیبرت، ریتا، (۱۳۶۷ ش)، هفت صدا، ترجمه نازی عظیمیا، تهران: نشر آگاه.
- مسعودنیا، حسین؛ اعظم‌خانی، حسن، (۱۳۹۱ ش)، «بررسی تطبیقی کودتاهای ۱۹۵۳ ایران، ۱۹۵۴ گواتمالا و ۱۹۷۳ شیلی»، پژوهشنامه علوم انسانی، تهران، شماره ۲۸، صص ۲۱۷-۲۷۴.
- معلوف، لویس، (۱۳۸۴ ش)، المُنجد، ترجمه: محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات ایران
- ملا آقایی، محمدحسین، (۱۳۷۸ ش)، «پابلو نرودا شاعر زمین»، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، تهران، شماره ۵۱، صص ۲۸-۳۰.
- ندا، طه، (۱۳۸۰ ش)، ادبیات تطبیقی، ترجمه: زهرا خسروی، تهران: نشر فرزاد روز.
- نرودا، پابلو، (۱۳۶۴ ش)، انگیزه نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی، ترجمه: فرامرز سلیمانی؛ احمد کریمی حکاک، تهران: نشر چشمه.
- نرودا، پابلو، (۱۳۶۴)، اسپانیا در قلب ما، ترجمه: فرامرز سلیمانی؛ احمد کریمی حکاک، تهران: نشر چشمه.
- نرودا، پابلو، (بی‌تا)، مجموعه چهار مجموعه، ترجمه: فرهاد غبرایی، تهران: نشر نیلوفر.

## دراسة مقارنة لمضامين المقاومة ومكافحة الاستكبار

## لدى مفدي زكرياء وبابلو نيرودا

مالك عبدي<sup>١\*</sup>، نوال مجدم<sup>٢</sup>

١. استاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة إيلام

٢. ماجستير في اللغة العربية وآدابها بجامعة إيلام

## الملخص

لأدب المقاومة صبغة إنسانية وعالمية تقوم بتجسيد محاولات جيلٍ مناضلٍ قام بوجه الاستعمار ونازٍ لتحرير شعبه وثقافته وتقاليدته من قيود المستكبرين الذين اخترقوا ساحة القيم الوطنية والإنسانية، في قالبٍ أدبيٍّ رصين. تُعتبر ثورة الجزائر وكذا الثورة التي جرت في تشيلي من أبرز ملامح المقاومة الشعبية أمام الطواغيت ودول الأشرار في العالم. والشاعر الجزائريّ المقاوم "مفدي زكرياء" وشاعر المقاومة التشيلية "بابلو نيرودا" هما من الشعراء الذين قاموا بتوعية الشعب فأوقدوا نار المحاربة ونفخوا في صور المقاومة ضدّ الاستكبار والطغاة الذين حرموا الشعب من حريته وسلبوه استقلاله، فشحن هؤلاء الشعراء سيفَ لسأخهم ضدّ العدو الغاشم، من خلال إنتاجات أدبية بارعة ولسانٍ شعريٍّ مبین. تحاول هذه الدراسة الكشف عن وجوه الافتراق والاشتراك لِملامح المقاومة في كلٍّ من هذين الأديبين، لتقوم بتبيين الزوايا الخفية في تراثهما الأدبي. وقد تحكي لنا نتائج الدراسة عن وجود مضامين مشتركة لدى الشاعرتين ك: حبّ الوطن، مكافحة الاستعمار، الدعوة إلى النضال وتحملٍ مشاقها، رثاء الشهداء وتأيينهم، تجليل المقاومين في سبيل الحرية...؛ وتقوم هذه الدراسة على منهجٍ وصفيٍّ تحليليٍّ يسرد الشواهد الشعرية والاستناد إلى المصادر المتوفرة لكلٍّ من الشاعرتين لإقامة مقارنة بينهما على أساس مدرسة أروبا الشرقية للأدب المقارن (المدرسة السلافية)، وتشابُه المجالات الاجتماعية المشتركة فيما بينهما.

**الكلمات الرئيسية:** شعر المقاومة؛ مكافحة الاستعمار؛ الجزائر وتشيلي؛ نيرودا ومفدي زكرياء.